



بررسی ریشه‌های تاریخی تنبلی در جامعه ایران و غرب در مصاحبه با دکتر مرتضی فرهادی

ایرانیان از ابتدا تنبل نبوده‌اند

از کارها حتی کارهای فایده بخشی که مستقیم یا غیرمستقیم در تولید ثروت نقشی نداشته باشد کار به شمار نمی‌آید. فعالیت‌های خانوادگی، اجتماعی و مذهبی و... کار به‌حساب نمی‌آیند. اگر کننده کار از آن لذت ببرد کار محسوب نمی‌شود. به‌عبارت‌دیگر تمدن غربی انگار، کار بدون زجر، خلاقانه و دل‌انگیز را کار به شمار نمی‌آورد. البته این هم به‌نظام برده‌داری کهن و دوران استعماری و کار در جامعه صنعتی سوداگری برمی‌گردد و هم به آیین‌ها و فلسفه غربی. اگر من درست متوجه شده باشم شما می‌خواهید بگویند که در ذات تاریخ و تمدن و فلسفه غربی کار امری مذموم و تلخ و... این‌ها بوده است؟

من متوجه نمی‌شوم که این چه از باتباطی

با نظام برده‌داری و کار در جامعه صنعتی و... دارد؟

برای روشن‌شدن بحث، ابتدا باید ریشه‌های این قضیه را برای شما بیان کنم. در ادبیات شفاهی یونانیان ما به دوره‌هایی برمی‌خوریم که به عصر طلایی معروف است که در آن غله، بدون مرارت شخم‌زدن، بدون بذرافشانی، و بی‌هیچ زحمتی از زمین می‌رویبید و زندگی همه جانوران متکی به میوه‌ها و گیاهان بود و مردان و زنان نیز جزخوردن و آشامیدن و پرسه‌زدن در باغ‌های زیبای جهان کاری نداشتند ولی بعدا به عصر سیمین رسید که فساد و تباهی و... همه‌جا را فراگرفت.

همچنین یونانی‌ها تصور می‌کردند که خدایان بر فراز کوه المپ زندگی‌ای شبیه اشراف بر روی زمین‌دارند. خدایان همیشه لباس‌های فاخری بر تن داشتند که مدام در حال عیش و نوش هستند. به قول ویل دورانت هیچ قومی خدا را چنین شبیه و نزدیک به آدمیان تصور نکرده است. این هماهنگی شدید بین خدایان و فرزندان خودشیفته آنان یعنی یونانیان باستان شرایط را برای اشرافی‌گری، برده‌داری، نفرت و گریز از هرگونه کار مولد و بدی هموار می‌کرد.

این ادبیات بعداً در فلسفه و فیزیک ارسطویی نمود یافت که اشاره کردیم ازنظر او کار و حرکت امری غرضی است و نه ذاتی. ازنظر ارسطو شهر بر سایر جوامع، یونانیان بر سایر مردمان جهان، مقام شهریار و سیاستمداران بر سایران، فرمان‌دهندگان بر فرمان‌بران، برده‌داران بر بندگان، مردان برزنان، مالکیت خصوصی بر مالکیت عمومی، حکومت پادشاهی بر دموکراسی و کار فکری بر کار بدنی و نابرابری بر برابری رجحان و برتری دارد.

از همین‌جا بحث برده‌داری و استثمار توجیه می‌شود. چون ازنظر ارسطو یک عده باید فرمان‌ده باشند و یک عده نیز برای فرمان بردن و کار آفریده‌شده‌اند. پس کار برای انسان‌های پست و درجه

مردم شناسانه بنده در ۵۰ سال گذشته این نظر را تأیید می‌کند. اما از یک‌زمان به بعد کم‌کم دچار «بیماری تنبلی» شدیم. جالب این است که اتفاقاً کار یک امر مذموم و دست‌دوم در تفکر غربی در طول تاریخ بوده است ولی از یک دوران به بعد این تفکر اصلاح می‌شود.

حالا چه فرقی می‌کند ذاتاً تنبل باشیم یا اخیراً تنبل شده باشیم؟ بالاخره ما فعلاً تنبل هستیم!

برای یک مردم‌شناس که به دنبال آسیب‌شناسی اجتماعی است و می‌خواهد نسخه بیپید این فوق‌العاده مهم است، مثل پزشکی که دانستن تاریخ بیماری مریض برای او اهمیت دارد. و این‌یک سؤال اساسی است که چرا باوجود نگاه ویژه به کار در فرهنگ تمدن و اندیشه‌های فلسفی شرقی، ما مسلمانان و به‌ویژه ما ایرانیان امروز از کار و کوشش بازمانده‌ایم و کشورهای غربی باوجود نفرت‌ها و دیدگاه‌های تاریخی خوارکننده کار و نظام برده‌داری- استعماری‌شان، امروز نسبت به ما، چنین اهل کار و کوشش شده‌اند؟

یعنی شما معتقدید که نسبت به «کار» یک جابه‌جایی فرهنگی در فرهنگ غربی و فرهنگ ایرانی صورت گرفته است؟! می‌شود این را قدری بیشتر توضیح دهید؟

ببینید ارسطو معلم اول تمدن جدید غرب است. یعنی به‌طور عمده نگاه ارسطویی به عالم باعث ایجاد تمدن جدید شده است. ارسطو کار و حرکت را در جوهره اشیاء نمی‌بیند. ازنظر او کار و حرکت از غرضیات مواد است و نه در جوهر مواد، اما در فرهنگ ایرانی و اسلامی کار و حرکت را امری جوهری می‌دانسته‌اند. مثل ملاصدرا که به حرکت جوهری اعتقاد داشته است، یا مثلاً زرتشت، کشاکش در طبیعت را قانون طبیعت می‌دانسته است. اصلاً در تفکر ادیان ایرانی چه در پیش از اسلام و چه در آیین مقدس اسلامی همه هستی در کارند.

غرضی دانستن کار یا جوهری دانستن آنچه تفاوتی دارد؟

در دائره‌المعارف آمریکنا، کار «فعالیت بدنی یا فکری انسانی در جهت رسیدن به هدفی غیر از لذت‌بردن از نفس کار» تعریف‌شده است. در این صورت کار تنها یک فعالیت فیزیکی و فیزیولوژیک است و تنها در صورتی ازنظر اقتصادی مقرون‌به‌صرفه است که ۱- مولد باشد، ۲- فایده‌بخش باشد، ۳- جهت‌دار باشد، ۴- الزامی باشد ۵- در برابر مزد یا پاداش باشد و ۶- هدفی به‌جز لذت‌نفس داشته باشد. بدین ترتیب از نظر بسیاری از اقتصاددانان، بسیاری

سپهرغرب، گروه متبن زندگی: دکتر مرتضی فرهادی متولد ۱۳۳۲ در شهر ملایر است و دوره کودکی را در مهاباد و دوران نوجوانی و جوانی را در خمین گذرانده است. وی دارای لیسانس در رشته روان‌شناسی، فوق‌لیسانس در رشته ارتباطات اجتماعی و دکتر ا در رشته جامعه‌شناسی می‌باشد. فرهادی هم‌اکنون عضو هیئت‌علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی می‌باشد و سردبیر فصلنامه علوم اجتماعی است. دکتر فرهادی در طی این سال‌ها به‌پاس فعالیت‌های متعدد علمی‌اش جوایز متعددی را کسب کرده که از آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: جایزه کتاب برجسته دورهٔ معرفی کتاب‌های برگزیدهٔ دانشگاه تهران برای کتاب: موزه‌هایی در یاد جایزه سیزدهمین دوره کتاب جمهوری اسلامی در زمینه علوم به اجتماعی برای کتاب فرهنگ یاریگری در ایران جایزه بیستمین دوره کتاب جمهوری اسلامی در زمینه علوم به اجتماعی برای کتاب واره: درآمدی بر مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون در این مصاحبه به بررسی ریشه‌های تاریخی تنبلی در ایرانیان و دیگر جوامع جهان پرداخته‌ام و به دنبال جوابی برای این سؤال بوده‌ایم که آیا ما ایرانیان از ابتدا تنبل بوده‌ایم، یا اینکه در طی سالیان اخیر و به دلایل دیگری دچار این معضل اجتماعی شده‌ام؟

آقای دکتر، آیا اصلاً شما قبول دارید که ما ایرانی‌ها تنبل هستیم؟

ببینید سؤال را به این شکل قبول ندارم. باید بپرسید آیا قبول دارید ما تنبل شده‌ایم؟ یعنی در اینکه ما اکنون تنبل هستیم، شکی نیست. اما مهم‌تر این است که بفهمیم چرا ما تنبل شده‌ایم؟ به نظر من دو پاسخ به این پرسش تاکنون داده‌شده است. عده‌ی زیادی صفت تنبلی را به پیروی از نظریات شرق‌شناسان و نیز نظریه مدرنیزاسیون جزو ذات ایرانیان و اصالتا انسان شرقی می‌دانند و البته دلایل جغرافیایی و نژادی و تاریخی هم برای آن ذکر می‌کنند. از نظر این گروه، انسان شرقی ذاتاً تنبل، تکرو، دروغ‌گو، خشونت‌طلب و... است. اما وقتی این ادعاها را به محک تاریخ می‌سپاریم می‌بینیم که نه‌تنها این گونه نبوده بلکه طرح و پذیرش چنین ادعاهایی زمینه‌ساز ورود استعمار به کشور ما بوده است چون از این نظر فرد ایرانی نمی‌توانسته است که حتی به امور معیشت روزمره خود بپردازد چه برسد به اینکه بتواند برای سرنوشت ملی خود تصمیم بگیرد و اقدام کند.

اما یک نظر دیگر وجود دارد که مدعی است اتفاقاً با بررسی‌های تاریخی مشخص می‌شود که کار و تلاش از صفات تحسین‌شده فرهنگ ایرانی ما تا همین سده‌های پیش بوده است و تمام پژوهش‌های

دوم است. انسان یونانی باید بتواند این پست‌ها را به خدمت خود درآورد. از طرف دیگر غیر یونانیان "برتر" بوده‌اند، یعنی کسانی که اصالتاً باید مزدور یونانیان باشند.

می‌دانیم که در رنسانس یکی از کارها بازگشت به فلسفه سیاسی و فیزیکی ارسطو بود. یعنی همین نگاه دست‌دوم به کار است که زمینه‌ساز استعمار اروپایی و غارت در قسمت‌های دیگر جهان می‌شود.

دیدگاه‌ها نسبت به کار در فرهنگ باستان ایرانی چگونه بوده است؟

در منابع زرتشتی نه‌تنها کار مولد انسان‌ها شدید ستوده می‌شد حتی حیواناتی مثل گاو کار، سگ گله نیز موردستایش و حمایت قرار می‌گرفته‌اند. در تاریخ اساطیری ایران شاهان بزرگ مثل کیومرث و جمشید و منوچهر و...، آغازگر و مخترع و مشوق پیشه‌ها و کارهای تولیدی بوده‌اند. مثلاً در این اسطوره‌ها گفته‌شده که "منوچهر اولین کسی بود که دهقانی را پدید آورد و بر هر دهی دهگانی گماشت" و پس از اسلام نیز همچنان که خواهیم دید جای آن‌ها را پیامبران و اولیاءالله و پیران پیشکسوت گرفته‌اند که نشان‌دهنده منزلت و قداست کار در فرهنگ ایرانی است.

یا مثلاً بلعی در تاریخ خود گفته: "نخستین کس که تخته برپرسد و از درختان در کردخانه‌ها را، هوشنگ بود و کان‌های زر و سیم و مس و آهن بیرون آورد." یا جمشید که "جمعی ساختن تیر و کمان را از اختراعات او بشمرده‌اند."

می‌بیند فرق است بین فرهنگی که کار یدی را تحقیر می‌کند و فرهنگی که کارهای بزرگ را به پادشاهان اساطیری خود و یا به پیامبران بزرگ خود نسبت می‌دهد. در ضمن این پادشاهان غالباً پادشاهان ستوده نخستین منابع دینی ایرانیان نیز بوده‌اند. در متون زرتشتی کوشندگی و کردارهایی که آبادانی زمین را به همراه داشته‌اند ستوده شده‌اند و آبادگران زمین مثل رمه‌داران، کشاورزان، پیشه‌وران؛ ستایش‌شده‌اند. همین‌طور در «مهریشت» یکی از پاداش‌ها به کسانی که به مهر دروغ نگویند فرزند کوشا است.

در عهدین خدای یهودی و مسیحی بعد از شش روز آفرینش زمین و آسمان دست از کار می‌کشد و استراحت می‌کند اما خدای قرآن نه‌تنها دست از کار نمی‌کشد بلکه «کُلَّ یَوْمٍ هُوَ فِی شَأْنٍ» همیشه در حال کار و خلق مداوم است.

پس مسلماً نمی‌توان تنبلی نسل امروز را به تنبل‌بودن پدران و اجدادمان در نسل‌های گذشته و یا به تربیت دینی‌مان نسبت داد و باید ریشه‌های این تنبلی را در جای دیگری غیر از ریشه‌های تاریخی جست‌وجو کرد.

چطور استارت آپ ام را راه بیندازم؟

ایدهات را قورت بده!

ملزومات موردنیاز برای انجام این کار را ندارید، آیا از دانش و منابع برای تشکیل یک تیم و پیاده‌سازی ایده‌تان برخوردار هستید؟

نزدیک‌ترین کسبوکار به ایده من

در بازار چیست؟

هنگام ارزیابی و قضاوت ایده‌تان، در مورد محصولات یا خدمات مشابهی که در حال حاضر در بازار وجود دارد، فکر کنید و سپس دراین‌باره فکر کنید که ایده شما چگونه از محصولات و خدمات فعلی بازار بهتر خواهد بود؟

آیا این ایده کسب‌وکار نیازی را پاسخ می‌دهد یا مسئله‌ای را حل می‌کند؟

مشتریان زمانی که ایده حاضر به پرداخت پول هستند که باور داشته باشند آنچه می‌خرند، مشکلی از آنان را حل می‌کند، نیازهای آنان را برآورده می‌سازد یا تمایلات‌شان را برآورده می‌سازد. اگر ایده کسب‌وکارتان مسئله یا مشکل، نیاز یا بدی را انتخاب کرده‌اید. ارزیابی ایده از همان ابتدای راه می‌تواند به شما در تمایز ایده خوب از بد کمک فراوانی نماید. به یاد داشته باشید که ایده خوب اگر مورد ارزیابی و اصلاح قرار گیرد، می‌تواند حتی به ایده‌ای بهتر نیز تبدیل شود. قبل از اینکه گام‌های اولیه را بردارید، به سوالات زیر در مورد ایده کسبوکارتان فکر کنید.

بزرگ‌ترین محدودیت‌ها یا نقاط ضعف ایده کسبوکارتان چیست؟

حتی بهترین ایده‌های کسبوکار نیز محدودیت‌ها و نقاط ضعفی دارند.ممکن است ایده‌تان به‌راحتی قابل تقلید توسط رقبا باشد یا ممکن است ایده‌تان نیاز به تحقیق و توسعه‌بیشتری داشته باشدو یاچالش‌های بازاریابی جدی مواجه‌باشد.

بافکر کردن در مورد نقاط ضعف و محدودیت‌های ایده‌تان، نسبت به فرصت کسبوکارتان بیش‌به دست خواهید آورد. اگر نقاط مثبت ایده‌تان بیشتر از نقاط ضعف آن باشد، شانس بیشتری برای موفقیت در پیاده‌سازی یک فرصت کسبوکار موفق خواهید داشت.

آیا از این ایده کسبوکار درآمدی ایجاد خواهد شد و ایجاد این درآمد چقدر زمان خواهد برد؟

پاسخ به این سؤال به‌راحتی مشخص خواهد کرد که آیا مشتریان مایل به پرداخت هزینه برای محصول یا خدمت شما خواهند بود یا خیر. این سؤال شما را به پیش‌بینی موارد زیر هدایت می‌کند:

چقدر زمان لازم است تا ایده کسبوکارتان به سود برسد؟

آیا پس از رسیدن به فروش، می‌توانید سوددهی خود را در طی زمان حفظ کنید؟

از تو حرکت از خدا برکت

از اصحاب رسول‌الله (صلی‌الله علیه و آله و سلم) درها است، برای تحویل روزی باید کوشش کرد و از منابع گسترده الهی آن را به دست آورد که:

وَأَنْ تَبْسُطَ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَغْدُرَ.....

برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست. بنابراین، هر کس به‌اندازه استعداد و سعی و کوشش خویش به مقدارش نائل می‌شود و چنان چه کسی در خانه به انتظار روزی بنشیند و از گرسنگی بمیرد، خودکشی کرده و گناهش به عهده خود اوست. ازاین‌رو در تعلیمات اسلامی از کسانی که به دنبال روزی نمی‌روند و برای تحصیل آن تلاش نمی‌کنند، مذمت شده است.

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ يَضَيِّعُ مَنْ يَمُوتُ!

ملعون است ملعون است آنکه هزینه خانواده خود را تأمین نکند. پیامبر گرامی اسلام هرگاه به مردی نگاه می‌کرد و نظرش را جلب می‌کرد، می‌پرسید آیا شغلی دارد؟ پس اگر پاسخ می‌دادند: نه بیکار است می‌فرمود: از چشم افتاد. سؤال می‌شد چگونه یا رسول‌الله؟ می‌فرمودند: مؤمن اگر شغلی نداشته باشد با دینش زندگی می‌کند - دینش در معرض خطر است. پس همان‌گونه که پیشوایان دینی ما برای تحصیل روزی و امرامعاش فعالیت می‌کردند، ما نیز وظیفه‌داریم برای کسب روزی فعال باشیم.

امام صادق (علیه‌السلام) هم در ضمن حدیثی فرمودند:

هنگامی‌که آیه و من یتق الله... نازل شد گروهی

عالم طبیعت منابع روزی جانداران پیش‌بینی‌شده است، برای تحویل روزی باید کوشش کرد و از منابع گسترده الهی آن را به دست آورد که:

وَأَنْ تَبْسُطَ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَغْدُرَ.....

برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست. بنابراین، هر کس به‌اندازه استعداد و سعی و کوشش خویش به مقدارش نائل می‌شود و چنان چه کسی در خانه به انتظار روزی بنشیند و از گرسنگی بمیرد، خودکشی کرده و گناهش به عهده خود اوست. ازاین‌رو در تعلیمات اسلامی از کسانی که به دنبال روزی نمی‌روند و برای تحصیل آن تلاش نمی‌کنند، مذمت شده است.

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ يَضَيِّعُ مَنْ يَمُوتُ!

ملعون است ملعون است آنکه هزینه خانواده خود را تأمین نکند. پیامبر گرامی اسلام هرگاه به مردی نگاه می‌کرد و نظرش را جلب می‌کرد، می‌پرسید آیا شغلی دارد؟ پس اگر پاسخ می‌دادند: نه بیکار است می‌فرمود: از چشم افتاد. سؤال می‌شد چگونه یا رسول‌الله؟ می‌فرمودند: مؤمن اگر شغلی نداشته باشد با دینش زندگی می‌کند - دینش در معرض خطر است. پس همان‌گونه که پیشوایان دینی ما برای تحصیل روزی و امرامعاش فعالیت می‌کردند، ما نیز وظیفه‌داریم برای کسب روزی فعال باشیم.

امام صادق (علیه‌السلام) هم در ضمن حدیثی فرمودند:

هنگامی‌که آیه و من یتق الله... نازل شد گروهی

منبع: کتاب رازقیات خالق - اسماعیل صدیقی